

بررسی یک نمونه از روایت‌گری در تاریخ موسیقی ایران (مطالعه‌ی موردی: اعدام استادان موسیقی دربار امیرانشاه و فرار عبدالقادر مراغی)

سید حسین میثمی*

دانشیار گروه موسیقی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۲۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۰/۱)



چکیده

موضوع این مقاله بررسی روایت‌های واقعه‌ای در موسیقی دوران تیموری است. روایت‌گری یکی از مباحث مهم در علم و فلسفه تاریخ است. در روایت‌گری نوع و مؤلفه‌های آن اهمیت دارد. در منابع تاریخی روایت‌های متعددی از وقایع مرتبط با موسیقی می‌توان مشاهده کرد. یکی از این وقایع به مجازات و فرار استادان موسیقی دربار امیرانشاه (پسر سوم تیمور) مرتبط می‌شود که روایت‌های گوناگونی پیرامون آن مطرح شده است. هدف از این مقاله بررسی تنوع روایت‌ها و درک نسبی واقعه مذکور است. روش تحقیق مبتنی بر مقایسه تحلیلی روایت‌ها است. سوء رفتار امیرانشاه و مقصر جلوه دادن استادان موسیقی دو جنبه مهم این روایت‌ها است. در کل دو گروه روایت وجود دارد که در روایت‌های گروه نخست به مجازات استادان موسیقی برمی‌گردد و در گروه دوم روایت‌ها بیشتر تأکید بر فرار و نجات عبدالقادر مراغی است. مهم‌ترین نتایج عبارتند از: تیمور برای توجیه سوء رفتار امیرانشاه استادان موسیقی را مقصر جلوه داده است. در روایت‌های نخست سخنی از عبدالقادر نیست. در روایت‌های گروه دوم نوعی خلط میان واقعه مجازات استادان و فرار عبدالقادر مشاهده می‌شود. فرار عبدالقادر از روی احتیاط بوده، در زمان مقتضی به دربار برگشته، با توسل به آیه‌ای از قرآن خود را از خطر احتمالی رهایی بخشیده است.

واژه‌های کلیدی

روایت‌گری در تاریخ، تیمور، امیرانشاه، دارزدن استادان موسیقی، عبدالقادر مراغی.

مقدمه

(اسم) و narrative (صفت و اسم) وجود دارد. در نخستین نقل یک عمل، رخداد و امر و در دومی (در نقش اسم) بازگویی منظم یا بازنمایی یک رویداد است؛ بنابراین کاربرد دومی پیوند عمیق تری با شناخت روایت دارد. روایت‌شناسی به معنای «مطالعه‌ی روایت» به عنوان پیامد نظریه‌ی ادبی و فرهنگی مطرح شده است (هرمن، ۱۳۸۸، ۳۰). از آنجائی که موضوع این مقاله بررسی یکی از روایت‌ها در تاریخ موسیقی است، لذا به مباحث و نظریات مطرح شده در ادبیات و هنر پرداخته نمی‌شود. روایت‌پژوهی از موضوعات مورد نظر عالمان و فلاسفه تاریخ است. در بسیاری از زبان‌ها تاریخ و روایت واژه‌ای همسان پنداشته می‌شوند (استنفورد، ۱۳۹۲، ۳۴۸). مهم‌ترین انواع روایت‌گری‌ها عبارتند از: ۱. روایت براساس توالی زمانی حوادث و ۲. ارتباط وقایع و کنش‌های مختلف براساس شرایط و مقتضیات ضروری زمان و مکان (پمپا، ۱۳۹۲، ۲۰۹). به نقل از گالی (۱۹۶۴). مؤلفه‌های مهم روایت عبارتند از: ۱. بیان طنز، تناقض و تأثرانگیزبودن رویدادها، ۲. جلب توجه شنوندگان به درک نکات مذکور و ۳. مهارت‌هایی چون طراحی، شخصیت‌پردازی، گفتگو، مکان و زمان، پیشرفت منطقی، ایجاد هیجان و نتیجه‌گیری (استنفورد، ۱۳۹۲، ۳۵۱). در این مقاله بیشتر بر نوع دوم روایت‌گری تأکید شده، نیز تمامی مؤلفه‌های سه‌گانه در این تحقیق مدنظر است.

در متون تاریخی گاه با رخدادهایی در مورد موسیقی مواجه می‌شویم که به دلیل جذابیت آن‌ها در کتاب‌ها، درس‌گفتارهای دانشگاهی و مقاله‌های مختلف منعکس شده‌اند. برخی از این رخدادها توسط مورخان مختلف شرح داده شده‌اند که گاه در برخی از موارد اختلافاتی در آن‌ها مشاهده می‌شود. در این مقاله تلاش می‌شود روایت‌های مرتبط با قتل استادان موسیقی دربار امیرانشاه (۷۶۹-۸۱۰ ق.؛ پسر سوم تیمور) و فرار و نجات عبدالقادر مراغی (د ۸۳۸ ق.) مورد بررسی قرار گیرد. روایت‌هایی که توسط مورخان و تذکره‌نویسان مختلف با اختلافات جزئی و کلی ثبت شده است.

با توجه به اینکه در مورد روایت‌گری در تاریخ موسیقی ایران تاکنون مطلبی منتشر نشده، بنابراین موضوع مورد نظر فاقد پیشینه تحقیق است.

مفهوم روایت و کاربرد آن

روایت و روایتگری غالباً در هنر و تاریخ کاربرد دارد. روایت در عرصه هنر بیشتر مربوط به ادبیات منثور و منظوم، هنرهای نمایشی و غیره است. روایت، واژه عربی و به معنای «نقل سخن و یا خبر از کسی» است (نک. سایت واژه‌یاب). معادل آن در فرهنگ غرب narrative و narration است که تفاوتی جزئی میان

یکسان نبوده است. در برخی از ادوار تاریخی صاحبان قدرت‌های اجتماعی به راحتی در ایذا و کشتن هنرمندان اختیار تام داشته‌اند. یکی از این موارد به ماجرای قتل استادان موسیقی دربار امیرانشاه برمی‌گردد که چگونگی آن در چندین منبع تاریخی و تذکره روایت شده است؛ مؤلفان این منابع عبارتند از:

بررسی نمونه تاریخی

در تاریخ ایران وقایع زیادی در ارتباط با موسیقی رخ داده است. برخی از این وقایع از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. اهمیت آن‌ها به عوامل مختلفی ربط پیدا می‌کند که یکی از آن‌ها موقعیت هنرمندان در اجتماع است. در ادوار تاریخی ایران شأن اجتماعی هنرمندان

جدول ۱- معرفی منابع.

ردیف	مؤلف / مؤلفان	تولد و درگذشت	نام اثر	تاریخ تألیف
۱	حافظ ابرو	(احتمالاً ۷۶۳-) ۸۳۲ ق	زبدۀ التواریخ	وقایع ۷۲۶-۸۳۰
۲	یزدی، شرف‌الدین علی	۷۹۰-۸۵۸ ق	ظفرنامه	شروع تألیف ۸۲۸ تمام تألیف ۸۳۱ ق
۳	ابن عربشاه، ابوالعباس شهاب‌الدین احمد بن محمد دمشقی	۷۹۱-۸۵۴ ق	عجائب‌المقدور فی نوابت تیمور در ترجمه: زندگانی شگفت‌آور تیمور	تألیف ۸۴۰ ق
۴	سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق	۸۸۷-۸۱۶ ق	مطلع سعدین و مجمع بحرین	وقایع ۷۰۴ تا ۷۸۳ و وقایع ۷۸۴ و ۸۷۵ ق
۵	سمرقندی، امیر دولت‌شاه	۹۰۰-۸۴۲ ق	تذکرۀ الشعرا	اتمام ۸۹۶
۶	علیشیر نوانی، میرنظام‌الدین	۹۰۶-۸۴۴ ق	مجالس‌النفائس	اتمام ۸۹۶ ق
۷	خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین	۸۸۰-۹۴۳/۹۴۲ ق	حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر	اتمام ۹۳۰ ق
۸	غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد	۹۷۵-۹۰۰ ق	تاریخ نگارستان	۹۹۵ ق
۹	تنوی، قاضی احمد قزوینی، آصف خان	(احتمالاً ۹۴۰-) ۹۹۶-۱۰۲۱ ق	تاریخ الفی	شروع ۹۹۳ ق

اداره امور را به ابابکر (فرزند امیرانشاه) واگذار و امیرانشاه را برحسب ظاهر در موقعیت پیشین حفظ کند. ساختار این روایت‌ها مبتنی بر مقدمه، شرح قتل استادان و در نهایت سپردن قدرت به ابابکر است. مقدمه‌ها یکسان نیستند و مؤلفان با حساسیت‌های مختلف مواردی را

براساس اطلاعات منابع مذکور تیمور حکومت مناطق عراق، آذربایجان و عراق عجم را بر عهده امیرانشاه گذاشت، معذالک عملکرد و مدیریت امیرانشاه در اداره حکومت به گونه‌ای بود که حساسیت‌های زیادی را برانگیخت. رفتارهایی که سرانجام سبب شد تیمور در سال ۸۰۲ ق.

بررسی یک نمونه از روایت‌گری در تاریخ موسیقی ایران (مطالعه‌ی موردی: اعدام استادان موسیقی دربار امیرانشاه و فرار عبدالقادر مراغی)

میرانشاه برای تیمور، ۷. گریان شدن تیمور و عدم صحبت وی به مدت یک هفته و ۸. لشکرکشی تیمور در سال ۷۹۵ به آذربایجان (سمرقندی، ۱۳۶۶، ۲۴۸-۲۴۹)؛ لازم به ذکر است که سال مذکور درست نیست.

۱. شرب شراب امیرانشاه، ۲. انحراف مزاج امیرانشاه از اعتدال، ۳. انجام امور ناملایم و ۴. تعلق در امور سلطنت (علیشیر نوائی، ۱۳۶۳، ۱۲۳-۱۲۴ براساس ترجمه فخرهرائی). ۱. اطلاع جواسیس به تیمور در مورد فسق و فجور شاهزاده و ۲. وضعیت نابسامان تبریز (علیشیر نوائی، ۱۳۶۳، ۳۱۳؛ براساس ترجمه محمد بن مبارک القزوینی).

۱. رفتن امیرانشاه نزد تیمور، ۲. روی خوش ندادن تیمور در روز نخست، ۳. درآغوش کشیدن فرزند در روز دوم، ۴. ارسال «خواجه آقبوغا» و «جلال الاسلام» توسط تیمور جهت تحقیق به تبریز، ۵. به بند کشیده شدن نواب و کارکنان امیرانشاه، ۶. بازگرداندن دو دنگ مال چند ساله به خزانه عامره، ۷. مطلع کردن تیمور به دفعات از میل مفرط امیرانشاه به شرب شراب و صحبت با ساقیان سیم اندام و ترغیب برخی از ندیمان از جمله سازندگان (نوازندگان حرفه‌ای) به این موضوع و ۸. خشم تیمور (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۴۸۳).

۱. ذکر حدود جغرافیایی واگذار شده توسط تیمور به امیرانشاه، ۲. ذکر عیاشی و لوندمشری شاهزاده، ۳. افتادن شاهزاده از اسب در شکارگاه، سهو اطباع در معالجه شاهزاده، پیدایش جنون در شاهزاده و ۴. یورش هفت ساله تیمور در سال ۸۰۲ به ایران (غفاری کاشانی، ۱۴۱۴، ۳۲۱).

۱. رفتن امیرانشاه به دیدار تیمور در نواحی ری و شهریار، ۲. عدم رخصت در روز اول ملاقات، ۳. دیدار شاهزاده با تیمور در روز دیگر، زانو زدن شاهزاده و دادن پیشکش‌ها، ۴. عدم التفات مطلق صاحب‌قران به شاهزاده و ۵. ارسال جمعی به تحقیق اموال، در بند کردن عمال شاهزاده و بازگرداندن زرها به خزانه (تتوی/ قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۷، ۴۹۰۲).

موارد مهم در این روایت‌ها عبارتند از:

مطرح کرده‌اند. جزئیات و تأکید آن‌ها در مقدمه نیز همسان نیست. در این مقدمه‌ها به نکات مهمی برمی‌خوریم که منجر به برکناری امیرانشاه می‌شود. موارد مهم در روایت‌های مقدمه عبارتند از:

۱. اشاره به اوهام امیرانشاه، ۲. دیدار امیرانشاه با تیمور ما بین شهریار و ابهر، ۳. دریافت وضعیت روحی امیرانشاه توسط تیمور، ۴. بهانه‌ساختن تخلف ملازمان و ۵. برگرداندن اموال داده‌شده توسط امیرانشاه (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۸۴).

۱. حضور تیمور در (ذکر نشده است)، ۲. عدم پذیرش امیرانشاه در روز نخست، ۳. دیدار در روز دیگر و بی‌توجهی تیمور به امیرانشاه، ۴. ارسال «خواجه آقبوغا» و «جلال الاسلام» به تبریز جهت تحقیق احوال امیرانشاه، ۵. به بند کشیدن نواب و عمال امیرانشاه، ۶. بررسی دفاتر دیوانی، ۷. استرداد اموال اهداشده توسط امیرانشاه و ۸. گزارش از افراط میل امیرانشاه به عیش و عشرت و ترغیب شاهزاده توسط ندیمان اهل ساز به این موضوع (یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۰۰۰-۱۰۰۱).

۱. ارسال نامه از هند و توهین به تیمور، ۲. گمان تیمور در مورد ارسال نامه از طرف امیرانشاه و ۳. لشکرکشی تیمور به جانب تبریز (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۱۰۹-۱۱۰).

۱. دیدار با امیرانشاه میان شهریار و ابهر، ۲. بی‌توجهی تیمور به امیرانشاه، ۳. بهانه ساختن تخلف ملازمان و ۴. برگرداندن اموال واگذارشده توسط امیرانشاه به افراد (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۸۲۱-۸۲۳).

۱. پادشاهی امیرانشاه در تبریز و آذربایجان، ۲. وصف امیرانشاه به عنوان شاهزاده خوش منظر و اهل طبع و ملایم، ۳. افتادن امیرانشاه از اسب و صدمه دیدن دماغ (مغز) او و جنون وی، ۴. همصحبتی با لوندان و ایندا امرا و بی‌حرمتی به بیکر خواجه فضل الله رشید و دفن او در قبرستان جهودان، ۵. اذیت خانزاده خاتون و ایندا وی، ۶. گریختن خاتون به سمرقند و ذکر احوال

جدول ۲- موارد مهم در روایت‌های مقدمه.

ردیف	مؤلفان	منبع	تنش‌های سیاسی	جنون	بخشش اموال	ایذا امرا و بی‌توجهی به امور	خوشگذرانی
۱	حافظ ابرو	کتاب تاریخی		×	×		
۲	یزدی	کتاب تاریخی			×		×
۳	ابن عربشاه	کتاب تاریخی	×				
۴	سمرقندی	کتاب تاریخی			×		
۵	سمرقندی	تذکره		×		×	×
۶	علیشیر نوائی	تذکره		×		×	×
۷	خواندمیر	کتاب تاریخی			×		×
۸	غفاری کاشانی	کتاب تاریخی		×			×
۹	تتوی و قزوینی	کتاب تاریخی			×		

با عبدالقادر بوده است، این دو استاد موسیقی افکار این دو حاکم را فاسد (در متن عربی: افسد) می‌کردند (ابن عربشاه، ۲۰۰۸، ۱۰۶)؛ در این روایت ذکری از سه استاد دیگر موسیقی و قتل آنها بر زبان آورده نشده است. در روایت دولت‌شاه نیز نام حبیب عودی مشاهده نمی‌شود. در سه روایت گروه دوم نام عبدالقادر نیز اضافه شده، با این تفاوت که عبدالقادر موفق به فرار شده است. روایت تتوی و آصف همانند

بعد از مقایسه موارد مطرح‌شده در مقدمه، روایت‌های چگونگی کشتن استادان و فرار عبدالقادر را می‌توان بررسی کرد. این روایت‌ها قابل تقسیم به دو گروه است. در گروه نخست ذکری از عبدالقادر مراغی مشاهده نمی‌شود. تنها ابن عربشاه ذکر می‌کند که میان قطب موصلی و عبدالقادر مباحثاتی بوده، همچنین بر این نکته تأکید دارد که ارتباط امیرانشاه با قطب موصلی همانند ارتباط سلطان احمد جلایر

شد. غفاری کاشانی نیز در ثبت اسامی تغییراتی داده که مغایر با منابع پیشین است.

در روایت‌های گروه نخست تأکید بر ماجرای قتل استادان و در روایت گروه دوم تأکید بر ماجرای فرار و نجات عبدالقادر است. اسامی استادان مذکور در این روایت‌ها عبارتند از:

روایت دسته نخست است، با این تفاوت که نام حبیب عودی به حسنی عودی تغییر یافته. به نظر می‌رسد که اطلاعات وی برگرفته از منابع گروه نخست است، وی همچنین هیچ توضیحی در مورد ارتباط عبدالقادر با این ماجرا مطرح نکرده است؛ به همین دلیل این منبع (علی‌رغم تألیف اثر بعد از روایت‌های گروه دوم) به گروه نخست منتقل

جدول ۳- ذکر نام استادان در دو گروه از روایت‌ها.

روایت‌ها	ردیف	مؤلفان	شرح استادان موسیقی در منابع مذکور
گروه نخست	۱	حافظ ابرو	۱. مولانا شمس الدین محمد کاخکی ۲. استاد قطب الدین نابی ۳. حبیب عودی ۴. عبدالمؤمن.
	۲	یزدی	۱. مولانا محمد قهستانی ۲. استاد قطب‌الدین نابی ۳. حبیب عودی ۴. عبدالمؤمن گوینده.
	۳	ابن عربشاه	۱. قطب موصلی ۲. استاد عبدالقادر مراغی (شرحی از قتل آنها ذکر نشده است)
	۴	سمرقندی (عبدالرزاق)	۱. مولانا شمس الدین محمد کاخکی ۲. استاد قطب‌الدین نابی ۳. حبیب عودی ۴. عبدالمؤمن گوینده.
	۵	سمرقندی (دولت‌شاه)	۱. مولانا محمد کاخکی قوهستانی ۲. مولانا قطب‌الدین نابی ۳. [؟] ۴. عبدالمؤمن گوینده.
گروه دوم	۶	تنوی و قزوینی	۱. قطب‌نای ۲. حسنی عودی ۳. عبدالمؤمن گوینده و مولانا محمد قهستانی.
	۱	علیشیر نوائی	ترجمه اول: ۱. خواجه عبدالقادر ۲. مولانا محمد کاخی و ۳. استاد قطب نابی. ترجمه دوم: ۱. عبدالقادر عودی و دو دیگر دو کسانند که نام ایشان معلوم بنده نیست.
	۲	خواند میر	۱. مولانا محمد کاخکی ۲. استاد قطب‌الدین نابی ۳. حبیب عودی ۴. عبدالمؤمن گوینده ۵. خواجه عبدالقادر.
	۳	غفاری کاشانی	۱. محمد کهگی ۲. استاد قطب‌الدین نائینی ۳. حبیب غوری ۴. عبدالمؤمن خوبناگر ۵. خواجه عبد القادر مصنف.

شریف (ابدال) برای نجات خویش متوسل به مصحف یا قرآن شد.

تحلیل روایت‌ها

در تمامی روایت‌ها اعمال امیرانشاه مسأله‌ی مهم این روایت است. این اعمال منجر به کنش‌های مختلف سه‌گانه شده است: ۱. گزارش از وضعیت امیرانشاه، ۲. عکس‌العمل تیمور و ۳. اعمال سیاست بر امیرانشاه و استادان موسیقی. در تمامی روایت‌ها چه به‌صورت علنی و چه پوشیده به این گزارش اشاره شده است. در اغلب این روایت‌ها عکس‌العمل تیمور تا حدی مشابه است، نخست برخورد سرد با امیرانشاه و پذیرش وی و سپس تحقیق از وضعیت مالی زمامداری امیرانشاه و در نهایت سیاست ندیمان، برکناری تلویحی امیرانشاه و واگذاری اجرایی حکومت به ابوبکر فرزند امیرانشاه. دو حدس در مورد این کنش می‌توان مطرح کرد: ۱. جنگ قدرت برای جانشینی با استادان به روایت ابن عربشاه و ۲. صدمه دیدن امیرانشاه و عدم توانایی وی در حکومت‌داری با استادان به چند روایت. ابن عربشاه از نامه‌ای صحبت می‌کند که برای تیمور از جانب هندوستان ارسال شده بود؛ متن نامه همراه با جملات تحقیر و توهین بوده است؛ تیمور چنین پنداشته که این نامه از طرف فرزندش امیرانشاه است (۲۵۳۶، ۱۰۵-۱۰۹). در صورت صحت نامه تبعات سختی برای امیرانشاه وجود داشته است. به نظر می‌رسد درگذشت دو فرزند ارشد تیمور (عمر شیخ و جهانگیر) و جانشینی پیر محمد (فرزند جهانگیر) و نزاع قدرت بر سر جانشینی عواملی بوده که تیمور نمی‌خواست سرکشی امیرانشاه را علنی کند. شاید علت اینکه ابن عربشاه تنها کسی است که به این موضوع اشاره کرده، حساسیت موضوع بوده، مسأله‌ای که غالباً راویان به دلایل تبعات سیاسی به آن نمی‌پرداختند. حدس دوم به اختلال دماغی (مغزی) واقعی امیرانشاه برمی‌گردد که توسط حافظ ابرو (۱۳۸۰، ج ۲، ۸۸۴)، دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۶۶، ۲۴۸) و غفاری کاشانی (۱۴۱۴، ۳۲۱) بر اثر حادثه افتادن از اسب (حافظ ابرو علت را ذکر نکرده است) مطرح

در انتهای روایت‌های گروه نخست مطایب‌های (شوخی در پیش قدمی برای اعدام) ذکر شده است:

مولانا محمد کاخکی روی به قطب‌الدین نابی آورد و گفت همیشه استاد قطب‌الدین در همه حال پیشوا و مقتدای ما بوده است. جلاد اول اخی قطب‌الدین برآستی را بردار کشید. چون نوبت به محمد مولانا رسید این دو بیت بگفت: شعر: پایان عهد و آخر عمر است ملحد / گر بایدت و گرنه به دست اختیار نیست // منصور وارگر بیرندت به پای دار / مردانه پای دار، جهان پایدار نیست (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۸۵).

در انتهای روایت‌های گروه دوم نیز لطیفه‌ای (توسل عبدالقادر به قرائت قرآن برای نجات خویش) ذکر شده است:

ایشان / عبدالقادر / از تبریز متواری گشته به‌صورت قلندران در مملکت سیران می‌کردند و کسی ایشان را نمی‌شناخت، آخر الامر چون تفحص و تجسس محکم کردند هر سه را یافتند و هر سه را سر و ریش و ابرو تراشیده به پایه سریر خلافت مصر (بازگشتگاه) آوردند و حکم واجب الامتثال شد که در مجلس هر سه را بکشند، و سراز تن برکشند، [لطیفه] عبدالقادر چون این معنی فهمید پناه به قرآن مجید و فرقان حمید برد، و در ساعت آیه «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره عمران، جزء ۴، آیه ۱۳۴) به آواز بخواند (نوائی، ۱۳۶۳، ۳۱۳)؛ «ترجمه فولادوند: همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. سلطان صاحب‌قران چون آیه عفو و احسان شنید و چون ظل سبحانی بود در مظهر عفو و احسان تجلی نمود، و بعد از آنکه آن دو کس را کشته بود این مصراع جهت عبدالقادر بخواند که: «ابدال ز بیم جنگ در مصحف زد» (علیشیر نوائی، ۱۳۶۳، ۳۱۳؛ براساس ترجمه محمد بن مبارک القزوینی).

مصراع مذکور برگرفته از دوبیتی‌های بایزید بسطامی است (نک. تعلیقات بینش بر خاتمه جامع‌اللاحان، مراغی، ۱۳۷۲، ۱۲۱ و ۲۱۵). ابدال به معنای مرد شریف، صالح، نیکوکار یا مرد خدا است (نک. سایت واژه‌یاب ذیل عمید). در واقع تیمور می‌خواست بگوید: مرد

بررسی یک نمونه از روایت‌گری در تاریخ موسیقی ایران
(مطالعه‌ی موردی: اعدام استادان موسیقی دربار امیرانشاه و فرار عبدالقادر مراغی)

تیمور دومی درست‌تر باشد، زیرا اگر بپذیریم که وی جزو افرادی که مجازات شدند نبوده، باید پذیرفت که ظاهراً دلیلی برای دستگیری وی نبوده است. با مقایسه دو گروه از روایت‌ها می‌توان پنداشت که امیر علیشیر نوایی براساس روایت‌های شفاهی به صورت مخدوش عبدالقادر را در ماجرای قتل استادان وارد کرده است. مخدوش از این جهت که در ترجمه‌ی کتاب *مجالس النفائس* امیر علیشیر، اظهارات یکسانی وجود ندارد؛ در ترجمه‌ی نخست از عبدالقادر، کاخکی و قطب نائی و در ترجمه‌ی دوم از عبدالقادر و دو کس دیگر (بدون ذکر نام) نام برده شده است. در ترجمه‌ی نخست از فرار عبدالقادر و در ترجمه‌ی دوم از دستگیری عبدالقادر از همان ابتدا یاد شده است؛ این در صورتی است که در روایت‌های گروه نخست از چهار شخصیت و در روایت‌های گروه دوم ابتدا از چهار استاد موسیقی و سپس از عبدالقادر نام برده شده است. خواندمیر هم که به صراحت از *مجالس النفائس* نوایی استفاده کرده (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ۱۴) به طریقی دیگر این ماجرا را نقل کرده است. اظهارات غفاری کاشانی نیز برگرفته از اقوال این دو شخصیت است. به همین دلیل خلط وقایع موجب مخدوش شدن واقعه مذکور شده است.

قتل استادان موسیقی را می‌توان تأثیربرانگیزترین وجه این روایت‌ها دانست که نشان از دسیسه‌های رجال درباری بوده است. در این روایت‌ها مشاهده می‌شود که هیچ امکانی برای میرآشدن استادان از این اتهام وجود نداشته است. در هر دو گروه از روایت‌ها می‌توان طرح ساختاری مشخص را مشاهده کرد؛ این طرح دربرگیرنده‌ی مقدمه، توضیحات کنش‌ها و نتیجه‌گیری است. روایت‌ها مبتنی بر مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی (تیمور و امیرانشاه) و موسیقی دوران (قطب‌الدین نائی... و عبدالقادر مراغی) است که خود در جلب توجه خواننده مؤثر است. گفتگو در مطایبه‌ی اول مشاهده می‌شود و اساساً همین گفتگو مطایبه (پیش‌قدم‌شدن برای اعدام با توجه به کسوت) را شکل بخشیده است. روند شرح روایت‌ها (به غیر از روایت امیر علیشیر) مبتنی بر گذر منطقی زمانی و مکانی است. پیشرفت منطقی مطالب در روایت‌های گروه نخست نسبت به روایت گروه دوم انسجام بیشتری دارد؛ این موضوع احتمالاً به نزدیکی زمانی راویان نخست با واقعه‌ی مذکور است. در این روایت‌ها اوج هیجان به اعدام استادان موسیقی و دستگیری عبدالقادر و تمهید وی برای فرار از مجازات برمی‌گردد. در نتیجه‌گیری روایت‌های گروه نخست «حسادت» را می‌توان عامل اصلی اعدام استادان موسیقی و در روایت‌های گروه دوم «تسلط عبدالقادر برقرآنت و حفظ قرآن» را عامل اصلی نجات وی دانست.

شده است؛ با توجه به صحت حادثه‌ی مذکور طبعاً تیمور نمی‌توانسته ادامه‌ی حکومت را به وی واگذار کند. به نظر می‌رسد هم تیمور و هم جاسوسان با توجه به شرایط مذکور تمایلی به علنی شدن این دو حدس نداشتند، به همین دلیل موسیقی‌دانان ندیم را مقصران اصلی سؤ رفتار امیرانشاه معرفی کرده آن‌ها را به قتل رساندند. می‌توان انگیزه‌ی دخالت استادان موسیقی را در این ماجرا تمایل امیرانشاه به موسیقی و حسادت رجال (ارباب حسد) (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۸۴) به استادان موسیقی دانست.

یکی از نکات مهم این دو گروه از روایت‌ها طرح مطایبه (روایت‌های گروه نخست) و لطیفه (روایت‌های گروه دوم) است که به جذابیت این ماجرا کمک کرده است. روایت‌ها از منظر ساختاری گاه در مقدمه و گاه در اصل داستان متناقض‌اند. مهم‌ترین تناقض در مقایسه این دو گروه از روایت وارد کردن سرشناس‌ترین موسیقیدان زمانه به اصل ماجرا است. در روایت‌های گروه نخست سخنی از عبدالقادر نیست. برای اینکه حاسدان و غمازان نام وی را مطرح نکرده‌اند شاید بتوان چند دلیل را برشمرد: ۱. تیمور برای عبدالقادر احترام ویژه‌ای قائل بود، به گونه‌ای که وی در سال ۸۰۰ق «صورت نشانی در باب سفارش عبدالقادر» به اهل سمرقند ارسال و در آن تعاریف تمجیدآمیزی درباره‌ی عبدالقادر بیان کرد (ویژه‌نامه‌ی همایش عبدالقادر مراغی، ۱۳۸۷، ۲۸)، ۲. عبدالقادر حافظ قرآن و قاری بود و تیمور صفت «ابدال/مرد شریف» (نک. لطیفه فوق) را برای وی قائل بود که می‌تواند مغایر رفتار فسق و فجور باشد و ۳. مباحثات میان قطب‌الدین و عبدالقادر و علاقه‌ی مفرط امیرانشاه به قطب‌الدین را نیز باید در نظر گرفت؛ موضوعی که شاید سبب کم‌رنگ‌شدن نقش وی در دربار امیرانشاه بوده است. براساس دلایل فوق احتمالاً عبدالقادر رفتاری احتیاط‌آمیز نسبت به امیرانشاه داشته، التهاب به وجود آمده از سوءرفتار امیرانشاه و قتل دیگر استادان سبب شده که عبدالقادر از دربار دور، در لباس درویشی از شهر به شهر دیگر متواری شود؛ اینکه فارم‌ذکر کرده عبدالقادر به نزد سلطان احمد جلایر در بغداد پناهنده شد (نک. مقدمه بینش در کتاب مقاصدالاحیان، ۲۵۳۶، ۲۶) به نظر منطقی نمی‌رسد، زیرا در هیچ‌کدام از منابع به این اشاره نشده است؛ دیگر اینکه تیمور برای لشکرکشی هفت ساله برای فتح مناطق دیگر عازم شده بود و سلطان احمد جلایر یارای مقاومت در مقابل تیمور را نداشت، عبدالقادر وضعیت را درک کرده بود و می‌دانست که پناه‌بردن به دربار سلطان احمد در این شرایط، کاری عاقلانه نیست و این امر می‌تواند تمامی اعتبار وی را نزد تیمور از بین ببرد؛ لذا عبدالقادر از این کار اجتناب کرده، مخفیانه در شهرها به سر می‌برده است. به نظر می‌رسد از دو روایت دستگیری عبدالقادر و رفتن خود عبدالقادر نزد

نتیجه

گروه روایت در پیرامون وقایع سال ۸۲۰ق. شکل گرفته که نخستین براساس مکتوبات مورخینی است که زمان حادثه را تا حدودی درک کرده بودند و روایت‌های دوم بیشتر مبتنی بر شونده‌های شفاهی است. به نظر می‌رسد ساختار و استحکام روایت‌های دوم کم‌تر از روایت‌های نخست است. اختلاف در ثبت اسامی استادان و روایت مخدوش ماجرا را می‌توان دلیلی بر این مدعا دانست. ظاهراً علی‌رغم

روایت‌گری در مورد به دار و یختن استادان موسیقی دربار امیرانشاه و متواری‌شدن عبدالقادر نشانگر این موضوع است که علی‌رغم تحولات مهم موسیقی در دوران تیموری اساساً امنیتی برای استادان موسیقی وجود نداشت، ایشان از گزند حوادث سیاسی در امان نبوده‌اند. سوء رفتار امیرانشاه و مقصر جلوه دادن استادان موسیقی توسط حاسدان و پذیرش آن توسط تیمور دو نکته مهم این روایت‌ها است. در کل دو

احمد جلایر در بغداد دانست؛ زیرا به وضع آشکار بوده که تیمور قصد حمله به بغداد را داشته، سلطان احمد جلایر نیز تاب مقاومت در برابر تیمور را نداشته است؛ به همین دلیل عبدالقادر در شرایط مناسب که احتمالاً مقارن با فتح بغداد بوده، خود نزد تیمور بازگشته، با توجه به اینکه می‌دانسته تیمور بر قرآن اشراف دارد با خواندن آیه‌ای از قرآن که موضوع آن بخشش از طرف بزرگان است توانسته از خطر احتمالی رهایی یابد و عدم حضور خویش را در وقایع مذکور با توسل به قرآن رفع کند.

حضور عبدالقادر در دربار امیرانشاه، وی به دلایل نامعلوم جزو کسانی که می‌بایست مجازات شوند نبوده است. در این ارتباط می‌توان حدس زد اعتبار عبدالقادر نزد تیمور، حافظ و قاری بودن وی و مباحثات وی با قطب‌الدین و تمایل امیرانشاه به قطب‌الدین از دلایلی است که حاسدان را از سعایت بازداشته است؛ با این همه با توجه به سوء رفتارهای امیرانشاه و ملتهد بودن شرایط خود متواری گشته تا از گزند احتمالی برحذر باشد. لشکرکشی هفت‌ساله تیمور و حضور وی در تبریز را می‌توان دلیلی برای عدم پناهندگی عبدالقادر به سلطان

پی‌نوشت

سمرقندی، امیر دولتشاه (۱۳۶۶)، *تذکره الشعراء*، به همت محمد رضانی، انتشارات پدیده خاور، تهران.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین* (در چهار جلد)، تصحیح عبدالحسین نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

عبدالقادر مراغی، غیبی حافظ (۱۳۷۲)، *جامع الحان خاتمه*، به اهتمام تقی بینش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.

عبدالقادر مراغی، غیبی حافظ (۲۵۳۶)، *مقاصد الاحزان*، به اهتمام تقی بینش، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

علیشیر نوائی، امیر نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *تذکره مجالس النفاذ*، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات منوچهری، تهران.

غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد (۱۴۱۴)، *تاریخ نگارستان*، کتابفروشی حافظ، تهران.

هرمن، دیوید (۱۳۸۸)، «روایت‌شناسی ساختارگرا»، *فصلنامه هنر*، ترجمه‌ی محمد راغب، شماره‌ی ۸۲، زمستان، صص ۳۰-۳۹.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه* (در دو جلد)، تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.

1. Narratology.

فهرست منابع

ابن عربشاه (۲۵۳۶)، *زندگانی شگفت‌آور تیمور ترجمه کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور*، ترجمه محمد علی نجاتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

ابن عربشاه، ابو عباس شهاب‌الدین احمد بن محمد دمشقی (۲۰۰۸)، *عجائب المقدور فی نوائب تیمور*، تصحیح سهیل زکار، نشر التکوین، دمشق.

استنفورد، مایکل (۱۳۹۲)، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، نشر نی، تهران.

پُمپیا، لئون (۱۳۹۲)، «چارچوب‌های اساسی در آموزش فلسفه‌مدرن تاریخ»، از کتاب *فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ نگاری*، ترجمه و تدوین، حسینعلی نوذری، انتشارات طرح نو، تهران.

تنوی، قاضی احمد و قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی* (در هشت جلد)، تصحیح غلام‌رضا طباطبایی مجد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر* (در چهار جلد)، مقدمه جلال‌الدین همایی، ناشر خیام، تهران.

An Analysis Over a Narrative Sample in the History of Iranian Music (Case study Execution of Amiranshah Court's Music Masters and the Escape of Abdul Qader Maraghi)

Seyed Hossein Meysami*

Associate Professor, Department of Music, Tehran University of Art, Tehran, Iran.

(Received 17 July 2020, Accepted 21 Dec 2020)

This study aims to analyze a variety of narratives in order to construct a relative understanding of an incident related to the execution of several musicians and the escape of Abdolghader during the Teimorid Era. Research method is based on comparative study of the various and conflicting narratives that are relevant to the historical events of this incident. Narratives have always been used as key research citations in art and history and the researcher has to decide upon its accuracy and substantial evidence that it is presenting. According to the tradition of narrative, the importance of the issue, chronology of incidents, their detailed provision and balance are the most significant factors as well as the variety of music-related narratives could be observed as historical resources. Since, this study is related to history, the narratives are not being considered in an artistic viewpoint. Structurally, incidents are sometimes contradictory in the introduction and main body of the story. Some authors used to add fun to a tragic story which could make the story more interesting. The process of incidents' narrative is chronological-based, though, detail provision and their balance are not the same in narratives. The use of various narratives for one incident reveals the realistic nature of the incident; although, there has always been a wide gap between an incident and the truth of it. Hanging of musicians in the court of Amiranshah (Tamerlane's son) is among one of these incidents. The narratives in regards to the execution of the court musicians of Amiranshah and Abdolghader's escape from the situation, demonstrates that despite the significant developments in music in Teimorid era, there was no security for musicians in that time. Amiranshah's mistreatment of the musicians and blaming them for this behavior are the two significant points in this incident. Generally, two groups of narratives have been formed about this incident in the year 802, lunar calendar. The first narrative is based on those historians' records that had lived in the time of the

incident's occurrence; the second narrative is based on mostly non-written evidence. It seems that the latter is less reliable than the former. Disagreements in recording the musicians' names and the indefinite narratives are the reasons for this claim. It seems that despite the presence of Abdolghader among the other musicians of Amiranshah's court; he was not among those who were hanged due to some unknown reasons. In this case, it could be claimed that Abdolghader's credit before Tamerlan and reciting Quran is among the most significant reasons for saving his life, though; he fled the court to save his life nonetheless. Tamerlane's seven-year military expedition and his presence in Tabriz could be among the main reasons for Abdolghader's not seeking shelter in Baghdad; because Tamerlane intended to attack Baghdad and Sultan Ahmad Jalayer could not resist against Tamerlane's army. That is why Abdolghader decided in the right time to go to Tamerlane and recite him a verse of Quran in which the title is about forgiving the weak; he could save his life and explain his absence during the incidents.

Keywords

Narrative in History, Tamerlane, Amiranshah, Hanging the Musicians, Abdolghader Maraghi.